

نقد و نظر | ردیه‌ای بر &#171;سرکوب ارزی&#187; و &#171;دستمزد کارگری&#187;؛



شناسه خبر : ۱۳۹۸۲۶ جمعه ۳ فروردین ۱۴۰۳ - ۰۹:۲۱

اصل «تعیین نرخ حداقل دستمزد» هم از منظر فقهی و هم از منظر علم اقتصاد مردود است. همچنین مفهوم «سرکوب نرخ ارز» یک مفهوم نادرست و جعلی است. در این یادداشت، این دو موضوع کلیدی و جهت‌ساز، بررسی شده است.

گروه اقتصادی موج خبر؛ رضا احسانی

آراء اقتصادی برادر گرانقدر و استاد فرزانه اقتصاد حوزه و دانشگاه، حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر علی نعمتی (دانش‌آموخته اقتصاد دانشگاه علامه، و عضو هیئت علمی گروه اقتصاد اسلامی پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد) همواره برایم مفید و قابل احترام و شایسته پیگیری و درس‌آموز بوده است.

طی روزهای اخیر که همزمان با نوسانات ارزی، مباحث کارگری و تعدیل حداقل حقوق و دستمزد با نرخ تورم داغ شده، و تراحم منافع کارگر و کارفرما این موضوع را داغ کرده است، آقای دکتر نعمتی تذکراتی را قلمی و مکتوب و منتشر کرده‌اند. از نگاه این حقیر، باز هم موارد متعددی از فرمایش‌های ایشان، خط‌شکن و مفید، و شایسته‌ی مذاقه و بررسی است؛ و البته مواردی هم هست که به نظر می‌رسد نیازمند تأمل بیشتر از سوی ایشان است.

ایشان با ایراد نکاتی بر قانون کار فعلی می‌نویسند: "مستحضر هستید که قانون کار ما یک قانون غیراسلامی با 74 مورد خلاف فقه است که شورای نگهبان سال 66 آن را رد می‌کند و سرانجام به‌عنوان مصلحت نظام تصویب می‌شود و بنابر فقه، مصالح خلاف اصل، زمان‌مند و تابع ضرورتند نه همیشگی".

همچنین می‌افزایند: "طبق ILO سیاست «حداقل دستمزد» اولین بار در نیوزیلند 1894 اجرا شد. ظاهراً در سیر معصومین (ع) و مسلمین نیز شاهی برای آن وجود نداشته و امری مستحدث محسوب می‌شود. لذا آنچه از منظر اسلام و فقه نیازمند اثبات است اصل این سیاست است، نه نفی آن".

و در ادامه تأکید می‌کنند: "«ارتزاق» در خصوص قاضی و به تعبیر امروزی کارکنان بخش عمومی است، نه کارگر که احکام آن ذیل شرایط متعاقدين قرار گرفته و تابع عقد فی‌مابین است."

و در نهایت نتیجه می‌گیرند: "لیبرال‌ها یا کمونیست‌ها هرچه می‌خواهند بگویند. ما اگر حزب‌اللهی هستیم باید مقلد علما باشیم و ببینیم فقه چه می‌گوید. نقطه اشتراک سیاست‌های «سرکوب نرخ ارز» و «تعیین حداقل دستمزد»، «تسعیر» یا «قیمت‌گذاری حرام شده در فقه» است، و ایرادات فقهی دیگر."

در مورد فرمایش‌های این استاد گرانقدر دو دسته ملاحظه به ذهن می‌رسد:

اول؛ در موضوع تعیین حداقل دستمزد کارکنان کشور، به نظر می‌رسد فرمایش ایشان درست و متین و قویم و شایسته پیگیری است. درحقیقت فارغ از «رقم و درصد» تعدیل نرخ دستمزد پایه، در مورد «اصل تعیین نرخ پایه» یک مغالطه از سوی هر سه ضلع کارگر و کارفرما و دولت در جریان است. به این ترتیب که هم مطابق قوانین شرع و هم مطابق قواعد بازار کلاسیکی، «کشف نرخ» در هر بازاری (بازار کالا، بازار کار، بازار ارز و هر بازار دیگری)، مشروط بر اینکه قواعد «بازار» (مانند عدم وجود انحصار، ذره‌ای بودن، انعطاف قیمتی، و...) بر آن بازار حاکم باشد (که در مورد بازار کار ایران تقریباً و با درصد قابل قبولی حاکم است)، کشف نرخ دستمزد باید به مکانیزم بازار سپرده شود، و تضارب عرضه و تقاضا

تعیین کنند دستمزدها باشد. تعیین دستوری هرگونه نرخ پایه، موجب اختلال در این بازار و برهم خوردن نظم پایه و خروج از شرایط «تعادل» و «اشتغال کامل» خواهد بود. در واقع دستوری بودن، بازار ما را از ماهیت «بازار بودن» تهی خواهد کرد.

اما در این موضوع، آنچه سبب ایجاد مغالطه شده این است: دلالت تعیین حداقل دستمزد به صورت عمده این است که گفته می شود حداقل دستمزد باید «حداقل معیشت آبرومندان» را تکافو کند. اما نکته قابل تأمل در این گزاره (و مورد مغالطه مذکور) این است که «درست است که در جامعه اسلامی و در جامعه سالم، حداقل معیشت افراد جامعه به قدر کفاف و عفاف باید تأمین شود، اما آیا این تکلیف برعهده کارفرماست یا دولت؟!» این نکته کلیدی و مهمی است. علی القاعده، این تکلیف برعهده دولت است نه کارفرما!

به نظر می رسد راهکار درست این است که برای داشتن یک بازار سالم، باید کشف و تعیین قیمت به بازار کار سپرده شده، و از هرگونه دخالت و تعیین دستوری نرخ در آن پرهیز شود؛ اما لازم است دولت، با تکیه بر منابع متعددی که مطابق شرع و قانون در اختیار دارد (از جمله نفت و معادن و زمین ها و ... که عمدتاً تحت عنوان «انفال» از آن یاد می کنیم؛ و مالیات؛ و البته منابع دیگر) معیشت افراد ضعیف را به نحو شایسته تأمین کند. مغالطه آنجاست که تأمین حداقل معیشت برعهده دولت است، نه کارفرما. این نکته، اساس و پایه های دخالت در بازار و قیمت گذاری دستوری را می زند، تا رسد به پرسش های فرعی مثل اینکه رقم تعدیل هم تراز با تورم باشد یا کمتر یا بیشتر! این از موضوع اول.

اما موضوع دوم؛ علاقه مند هستم روی این گزاره جناب آقای دکتر نعمتی تأملی کنیم: «نقطه اشتراک سیاست های «سرکوب نرخ ارز» و «تعیین حداقل دستمزد»، «تسعیر» یا «قیمت گذاری حرام شده» در فقه است، و ایرادات فقهی دیگر».

از این عبارت، به ویژه تمرکز حقیر بر مفهوم «سرکوب نرخ ارز» است. این پرسش را مطرح کنیم: مطابق مبانی اقتصاد خرد پیشرفته، که اساتید معظم اقتصاد در دوره دکتری تدریس می کنند، تنها و تنها بازاری کارآست (کارآست یعنی شایستگی دارد کشف قیمت کند و شرایط «تعادل اشتغال کامل» در آن رخ می دهد) که شرایط ذره های بودن طرفین (یعنی بزرگ نبودن و انحصاری نبودن هر یک از طرفین عرضه و تقاضا - که به «تعیین انحصاری قیمت» میل می دهد)، رقابتی بودن، آزاد بودن معاملات و عدم وجود هرگونه قیدی (مانند تحریم و ...)، انعطاف پذیری قیمت ها و شرایط دیگری را که ثابت می شود همگی ذیل شرایط 9 گانه «بهینه پرتو» قرار می گیرند، در خود داشته باشد. در علم اقتصاد، در میان انواع بازارها، تنها و تنها چنین بازاری در «کشف قیمت» شایستگی دارد، و لا غیر. به این معنا که چه بازار کالا باشد، چه بازار کار، چه بازار یک کالای خاص (مانند خودرو و ملک و نفت و غیره)، و چه بازار ارز، تنها اگر چنین شرایطی بر آن حاکم

بود، قیمت کشف شد ناشی از برخورد عرضه و تقاضا، قیمت بهینه و درست و شایسته است.

حالا از جناب دکتر نعمتی می پرسیم شما که از عبارت «سرکوب نرخ ارز» استفاده می فرمایید، علی القاعده ابتدا باید بفرمایید نرخ برابری ریال در برابر ارزهای خارجی، در یک بازار کارآی بهینه پرتو کشف شده، و سپس بفرمایید دولت - یا با کنایه و تعریض: کمونیست های اقتصادی - آن نرخ را سرکوب می کنند و پایین نگاه می دارند. پرسش اینجاست که آیا اصلاً چنین «بازار آزاد بهینه پرتوی ارزی» در ایران شکل می گیرد تا برسد به سرکوب نرخ؟!

در این زمینه ادبیات فربهی تولید شده است. اساتید معظمی همچون دکتر داوودی، دکتر صمصامی، دکتر شرافت جهرمی، دکتر سبحانی و دیگران در این زمینه کتاب ها نوشته و مقالات متعددی تألیف کرده اند. اجمالاً و برای روشن شدن این گزاره که «اساساً بازار ارز کارآ» در ایران شکل نمی گیرد، و در طرفین عرضه و تقاضای این بازار، هرچه هست انحصارگر و فاسد و قاچاقچی و فرار سرمایه و سفته باز و بازیگر تلگرامی است، دعوت می کنم ادبیات این موضوع را از نظر بگذرانید. وجود «بازار ارز آزاد کارآ» و «کشف قیمت سالم» در ایران، لااقل به 16 دلیل روشن، مردود است. 16 دلیل! درواقع اصلاً قیمت سالمی در بازار ارز کشف نشده، تا بخواهد به دست «کمونیست های اقتصادی» سرکوب شود! دعوت می کنم برای روشن شدن موضوع، 4 مطلب زیر را ببینید:

+ «خرمشهر ارزی» دست دشمن افتاده/ بازی با «قیمت دلار» را به دست بایدن ها نسپارید

+ رد «نظریه برابری قدرت خرید» در ایران به 16 دلیل

+ انتقاد جدی عضو مجمع تشخیص مصلحت از مغالطه «یارانه پنهان» / داوودی: تا کجا بناست گران کنید؟

+ نقد فنی جمعی از دانشگاهیان به گزارش مرکز پژوهش ها با موضوع نرخ ارز

خب؛ حالا که بازار سالم کشف قیمت نداریم، قیمت ارز با چه الگویی کشف شود؟ در این زمینه دعوت می کنم به کتاب تخصصی «جعبه سیاه تضعیف ریال» - که در سال 1398 از سوی موج خبر منتشر شده - و همچنین پایان نامه دکتر 300 صفحه ای دکتر صمصامی، که با هدایت دکتر داوودی و دکتر شرافت، این موضوع را جمع بندی و مدل کرده، و همچنین آراء دکتر حسن سبحانی در این زمینه مراجعه بفرمایید. وقتی بازاری شکل نمی گیرد، کشف قیمت سالم، با هدف کاهش تورم و افزایش اشتغال و رشد تولید، لاجرم «تعیینی» و با ادبیات شما «دستوری» خواهد بود. به عبارت

اقتصادی، وقتی بازارها شکست می‌خورد، ناچار از ورود و تنظیم‌گری دولت هستیم.

بنابراین، جمع‌بندی اینکه، در موضوع تعیین نرخ دستوری برای حداقل حقوق کارگری، نظر جناب آقای دکتر نعمتی، صائب و درست به نظر می‌رسد؛ اما در موضوع تعیین نرخ ارز، آراء ایشان نیازمند اصلاحاتی است.

انتهای پیام/

انتهای پیام/